

یکشنبه ۵ مهر ۱۳۹۴ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۰۷ • ۹

روزنامه		
جهان		
آیا شهرها برای ثروتمندان ساخته شده‌اند؟		صفحه ۱۰
در جامی ز نیم، با سرعت هر چه تمام تر		صفحه ۱۱
به خاطر یک مشت دلار		صفحه ۱۲

نگاه	
داعش و مسئله پیوستن به آن	
کاظم هاشمی	

اگر در اوایل قرن بیستم هیتلر و استالین اروپا را به خاک‌وخون کشیدند و داعیه فرومانروایی بر کل جهان را داشتند، اکنون در اوایل قرن ۲۱ این سردمداران جنبش توتالیتز داعش هستند که چنین داعیه‌ای دارند. چرا جنبش و نه حکومت توتالیتز؟ چون هنوز قدرت را در دست نگرفته و فرمانروای کل جهان نشده است. چنان‌که بر فرض زمانی قدرت را در دست گرفت و فرمانروای جهان شد، آن وقت می‌توان گفت حکومت و رژیم توتالیتز شکل گرفته است. نکته قابل‌توجه درباره داعش این است افراد مختلفی از اقضا نقاط جهان به این جنبش می‌پیوندند و به آن یاری می‌رسانند. سؤال اینجاست چرا این افراد به این جنبش می‌گرایند؛ به عبارت دیگر، راز جاذبه داعش برای اینها در چیست؟ این موضوع را می‌توان از جنبه‌های گوناگون بررسی کرد؛ دلایل اقتصادی و هزینه‌های کلانی که داعش در این راه متحمل می‌شود و همچنین مباحث اعتقادی و ایدئولوژیک و مسائلی از این‌دست، نقش بسزایی در پیوستن افراد به این جنبش دارند که نباید به‌سادگی از کنارشان گذشت. در این جستار این‌ موضوع از دو دیدگاه دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ دیدگاه اول به «جامعه بی‌طبقه» اشاره دارد و دیدگاه دوم هم به «زیبایی‌شناسی جنایت» مربوط می‌شود. درباره دیدگاه اول باید گفت هدف جنبش‌های توتالیتز درواقع سازمان‌دادن توده‌هاست نه سازمان دادن طبقات. در هر کجا که توده‌هایی وجود داشته باشند، شکل‌گیری جنبش‌های توتالیتز امکان‌پذیر است. این توده‌ها بر اثر آگاهی از یک مصلحت مشترک، گرد هم نمی‌آیند. آنها فاقد آن احساس تمایز طبقاتی ویژه‌ای هستند که در هدف‌های معین و محدود و دسترسی‌پذیر بیان می‌شود.

اصطلاح توده‌ها به آن مردمی اطلاق می‌شود که ماهیتا چیزی بیشتر از انسان‌های بی‌هویت و بی‌تفاوت نیستند در نتیجه نمی‌توان آنها را در سازمانی مبتنی‌بر مصلحت مشترک یا در احزاب سیاسی و حکومت‌های محلی یا در سازمان‌های حرفه‌ای و اتحادیه‌های کارگری متشکل کرد. این‌ مردم در هر کشوری وجود دارند و اکثریت افراد خشنی و از نظر سیاسی بی‌تفاوت کشور را تشکیل می‌دهند که حتی به پای صندوق‌های رای هم نمی‌روند. درواقع احساس زان‌بیدون در ذهن انسان توده‌ای وجود دارد؛ انسانی که هیچ جایگاهی ندارد. انسان سرخورده و پوچ، ویژگی اصلی انسان توده‌ای نه سنگدلی و نه واپس‌گرایی، بلکه انزوا و نداشتن روابط اجتماعی بهنجار است به عبارت دیگر ناکامی در زندگی شغلی و اجتماعی و گمراهی و بدبختی در زندگی شخصی مشخصات انسان توده‌ای است. انسان توده‌ای «انسان محکوم» است؛ انسانی که از هرگونه منافع شخصی‌شخصی علائق، احساسات، وابستگی داری و حتی نامی از آن خودش محروم است. انسان توده‌ای طعم بنیوایی بشری چشیده و سرگردانی‌های بیشتری کشیده است؛ انسانی که هرگونه پیوند اجتماعی‌اش با خانواده و دوستان و آشنایانش بریده شده است و فقط از طریق تعلق به یک جنبش، احساس می‌کند در این دنیا جایی دارد؛ زیرا تاریخ را دیگری برای برحق‌بودن آنها به‌جای نگذشته است. برای آنها از بنیوایی و توسری‌خوری و نامیدی و خشم روزانه، گریزی وجود ندارد. از این‌روی وقتی چنین جنبشی شعله‌ور می‌شود بسیاری از ته دل خدا را سیاس می‌گویند. شاید به خاطر همین ویژگی‌های انسان توده‌ای و بی‌طبقه است که میخاییل باکونین به سراغ لپمن‌ها و افرادی از این طیف می‌رود و آنان را برای انقلاب آتارنشیستی خود مناسب‌تر می‌یابد.

انسان توده‌ای، انسانی است که از مدرنیت ناراضی بوده و در جوامع مدرن رنج می‌برد. از نظر انسان توده‌ای همه‌چیز جعلی و دروغنی است انسان توده‌ای، آرزوی ویرانی سراسری این جهان دارای امنیت جعلی و فرهنگ جعلی و زندگی جعلی را در سر می‌پیرواند و خواستار نابودی بی‌ترحم و هرج‌ومرج و ویرانی مطلق ارزش‌های والای جامعه است. در گذشته عملیات تروریستی، فقط از میان‌برداشتن برخی از شخصیت‌های برجسته‌ای بود که به خاطر خط‌مشی‌شان نماد استمرگی شده بودند، اما اکنون دیگر چنین برداشت‌هایی از تروریسم مطرح نیست آنچه برای این نسل سخت جاذبه دارد تروریسمی است که به‌گونه یک نوع فلسفه سیاسی درآمده است؛ فلسفه‌ای که نامیدی، خشم و بی‌زاری و کوری را بیان می‌کند و بیانگر یک نوع اظهار وجود سیاسی است که در آن از اوباش استفاده می‌شود؛ فلسفه‌ای که با شوق‌وذوق در جست‌وجوی اشتهار به اعمال پرآوازه است و اراده کرده است حتی به بهای جان خویش، وجود خود را بر فقرهای بهنجار جامعه تحمیل کند. انسان‌های توده‌ای کسانی هستند که طرد شده‌ان و می‌خواهند به‌زور حق خود را بگیرند. مسئله دیگری که می‌توان درباره جنبش داعش به آن اشاره کرد، مسئله «زیبایی‌شناسی جنایت» است. همان‌طور که در مبحث قبلی گفتیم، از نظر انسان توده‌ای، خشونت، قدرت و جنایت ارزش‌های والایی به‌شمار می‌آیند چون آنها را به جهان بازمی‌گرداند و دوباره با آن پیوندشان می‌دهد. اما نکته دیگری که باید بدان اشاره کنیم، مسئله «سادیسزم» است؛ افرادی وجود دارند که شر و جنایت برای آنان جاذبه دارد و از آزار دیگران لذت می‌برند درواقع این‌نوع افراد آثار مارکی دو ساد (سادیسزم از نام او گرفته شده است) را می‌خوانند. قانون از جنایات این اشخاص جلوگیری و در صورت وقوع جنایت آنان را مجازات می‌کند. از این‌رو وقتی چنین جنبشی سر برمی‌آورد، این نوع افراد به راحتی جذب آن می‌شوند؛ چراکه این‌گونه جنبش‌ها این امکان را به آنها می‌دهد هم اعمال غیرانسانی‌ای خود را مرتکب شوند و هم از مجازات بگریزند؛ زیرا همان‌گونه‌که قبلا اشاره کردیم، در این نوع جنبش‌ها جنایت نه‌تنها مذموم نیست، بلکه فضیلت هم شمرده می‌شود. این موضوع که فرمانرویان داعش پیش از به قدرت‌رسیدن معمولا با افتخار به جنایت‌های خود و دقیقا مطرح‌کردن رؤس جنایت‌های آینده‌شان، کار خود را آغاز می‌کنند، گذشته از هر دلیل دیگری از جمله ارباب، می‌تواند به این دلیل نیز باشد که می‌خواهند این نوع افراد را به‌سوی خودش جذب کنند.

یادداشت

یک ارتش «فرمال» ژاپنی

در ساعات آغازین روز شنبه، ژاپن گام بلندداشتن ارتشی همراه و همسان با اکثر نیروهای مسلح در جهان برداشت؛ ارتشی که قادر است حتی اگر این کشور تحت حمله مستقیم نباشد، در عملیات خارجی شرکت کند.
باین‌حال، تصویت لایح جدید امنیتی و دادن مجوز حضور ارتش در نبردهای خارجی مورد موافقت همه ژاپنی‌ها نبود و گواه این مخالفت تظاهرات‌های پرسرصداي خیابانی در مقابل پارلمان بود؛ در عرصه خارجی نیز یکن به انتقاد پراخت، اما محافظه‌کاران حزب حاکم لیبرال‌دموکرات خشمگین از اعمال محدودیت‌ها علیه ارتش ژاپن به واسطه قانون اساسی تحمیلی از جانب آمریکا پس از جنگ دوم جهانی، به دنبال رفع محدودیت‌های بی‌دلیل علیه نیروهای مسلح هستند.
این قانون به‌تدریج محدودیت‌هایی که ارتش تحت کنترل ژاپن با آن روبه‌روست را لغو می‌کند. تغییرات واقعی براساس این قوانین جدید ممکن است بزرگ و عمده نباشد، اما «شینزو آبه»، نخست‌وزیر ژاپن، به تغییر عمده در چارچوب امنیتی کشور دست یافته و کشورش را به سمت داشتن آنچه طرفدارانش ارتشی «نرمال» می‌خوانند، سوق می‌دهد.
براساس این قوانین جدید، ارتش قادر است برای نخستین‌بار در دوران پس از جنگ، به دفاع از متحده خود که تحت حمله هستند، بپردازد، اما به این شرط که این شرایط به‌عنوان تهدیدی جدی و فوری علیه ژاپن ارزیابی شود.
دولت‌های پیشین ژاپن نیروی دفاع جمعی را همان‌طور که در مفهومش پیداست، مغایر با قانون اساسی می‌دانستند. کاینه آبه به‌صورت یکجانبه تفسیر تازه‌ای از این قانون ارائه داد؛ تغییرات جدید قانون اساسی به نیروهای دفاع شخصی کشور اجازه اقدام و دفاع جمعی را می‌دهد. به بیان دیگر، شاید آمریکایی‌ها خود نیز باور نداشتند که با ارائه پیش‌نویس یک قانون اساسی صلح‌طلب به ژاپنی‌ها، تا این حد روحیه صلح‌طلبی را به آنها تزریق کنند.
مقام‌های آمریکایی حالا دست‌کم به صورت علنی، به‌دقت از درخواست برای ایجاد تغییرات در سیاست نظامی ژاپن امتناع می‌کنند، اما به دلیل چالش فزاینده نظامی چین و تهدیدهای کره‌شمالی، می‌گویند هرآنچه را که ژاپن برای تقویت همکاری نظامی همچنان نسبت به این مسئله تردید دارند. اگرچه اقتصاد ژاپن روبه‌رکود است، اما این کشور به دلیل بهره‌مندی از چندین دهه صلح تحت قانون اساسی مدون آمریکا پس از جنگ دوم جهانی، راه را به سمت رشد اقتصادی می‌پیماید.

آبه به‌شدت دوست دارد کشورش نقش گسترده‌تری در عرصه بین‌الملل داشته باشد، اما ژاپن‌های به‌وجودآمده در این مسئله تردید دارند. اگرچه اقتصاد ژاپن روبه‌رکود است، اما این کشور به دلیل بهره‌مندی از چندین دهه صلح تحت قانون اساسی مدون آمریکا پس از جنگ دوم جهانی، راه را به سمت رشد اقتصادی می‌پیماید.

آبه به‌شدت دوست دارد کشورش نقش گسترده‌تری در عرصه بین‌الملل داشته باشد، اما ژاپن‌های به‌وجودآمده در این مسئله تردید دارند. اگرچه اقتصاد ژاپن روبه‌رکود است، اما این کشور به دلیل بهره‌مندی از چندین دهه صلح تحت قانون اساسی مدون آمریکا پس از جنگ دوم جهانی، راه را به سمت رشد اقتصادی می‌پیماید.



مدیر پیشین بخش مطالعات خاورمیانه دانشگاه «جورج واشنگتن»، به «شرق» گفت:

مصری‌ها فقط به رفتن «مبارک» فکر می‌کردند

داشت؟ آیا کناره‌گیری فردی مانند «محمد البرادعی» از عرصه سیاسی، نشانه‌ای از شکست لیبرال‌ها در مصر نیست؟ علت ناکامی آنان را در چه عاملی می‌دانید؟

مصر اکنون فاقد احزاب سیاسی واقعی است. احزاب قانونی دوزوکلک علیه یکدیگر می‌کنند تا آنکه بخواهند سازمان‌های حزبی واقعی را تشکیل دهند. البته این موضوع لزوماً تقصیر آنان نیست. فضا برای سازمان‌های مستقل در مصر در حال حاضر بسیار محدود شده است. در نتیجه، ایجاد انشعاب در رهبری احزاب اهمیت محدودی دارد، چراکه در سطح کلان‌تر، حوزه مبارزه و فعالیت خود احزاب محدود شده است.
ک جنبش‌هایی مانند ۶ آوریل» و «تمرد» در روزهای انقلاب توانستند طیف وسیعی از مردم را به‌سوی خود جلب کنند
باین‌حال، اکنون به‌نظر می‌رسد آنان هواداران پیشین را ندارند؟ علت اصلی این موضوع را در چه می‌می‌دانید؟

یک حزب سیاسی واقعی نیاز دارد تا بر مبنای حوزه‌ای مشخص تعریف شود. جریاناتی که از آنها نام برید، نه‌فقط از منظر ایدئولوژیک تعریف مشخصی از خود ارائه نداده‌اند، بلکه منافع و سازماندهی معینی نیز ندارند. حوزه‌ها و پایگاه‌های احتمالا مشخصی از جمله در میان کارگران یا اسلام‌گرایان وجود دارند باین‌حال، آنان اجازه سازماندهی ندارند. گرفته بودند، واقعا مدل‌های پایداری را بنا نکردند. آنان فقط در میان بخشی از جمعیت مصر و برخی از طیف‌ها، قادر به جذب هوادارانی شدند.
ک ارزیابی شما از تحولات مصر در جولای ۲۰۱۳ میلادی و سرنگونی دولت مرسی چیست؟ آن تحولات را کودتا می‌دانید، یا همراهی ارتش مصر با خواست اکثریت؟

اگر به شعرهای سر داده‌شده در سال ۲۰۱۱ میلادی بازگردیم، من می‌توانم بگویم همه‌چیز حول یک شعار محوری بود «ارحله» (مبارک باید قدرت را ترک کند). به همین دلیل، مسیر انقلاب شکست خورده بود. انشعاب و تفرقه در میان ائتلاف انقلابی در سال ۲۰۱۲ میان اسلام‌گرایان و غیراسلام‌گرایان، این فرصت را برای ارتش فراهم کرد تا قدرت را در دست گیرد.

- پارلمان بعدی مصر مجموعه‌ای متشکل از افراد خواهد بود و نه یک بدنه قانون‌گذاری با حضور بلوک‌ها و گرایش‌های متفاوت و قدرتمند**
- احزاب قانونی در مصر را مجموعه‌ای از افرادی تشکیل می‌دهند که به‌نظر می‌رسد آنان بیشتر وقت خود را صرف دوزوکلک علیه یکدیگر می‌کنند تا آنکه بخواهند سازمان‌های حزبی واقعی را تشکیل دهند**

تا آنجا که به رویدادهای سال ۲۰۱۳ میلادی بازمی‌گردد، هر آن کسی که رویدادهای اتفاق‌افتاده را کودتا نخواند، نشان می‌دهد با معنای واژه «کودتا» و مفهوم آن ناآشناست، چراکه در جریان وقایع مصر فرمانده ارتش قانون اساسی را به حالت تعلیق درآورد و رئیس جمهوری منتخب مردم در انتخابات را از قدرت برکنار کرد. این مصداق واقعی کودتاست. البته کودتا حمایت گسترده مردمی را با خود به همراه داشت (درک چگونگی این حمایت دشوار است، اما قطعا در شهرهای بزرگ و اصلی ارتش حامیانی داشت) باین‌حال، مورد کودتا در مصر نیز مانند بسیاری از دیگر کودتاهای روی‌داده، بود.

ک احزاب چپ‌گرا در انتخابات آینده مصر، چه جایگاهی خواهند داشت. آیا قادر به کسب کرسی خواهند بود یا مانند گذشته در موضعی حاشیه‌ای قرار خواهند داشت؟ چرا چپ‌گرایان قادر به جلب افکار عمومی اکثریت مصری‌ها با شعار عدالت اجتماعی نیستند؟
شکست چپ‌گرایان مصری در سازماندهی جنبش کارگری سبب خواهد شد آنان از نظر سیاسی در حاشیه قرار گیرند.

ک حزب «سوسیالیست‌های انقلابی» نیرو را چگونه خواهد بود آنان با انتشار بیانیه‌ای با اخوان‌ها ائتلاف کرده‌اند. این موضوع چه تأثیری بر چشم‌انداز سیاسی آن حزب خواهد گذاشت؟ ما در خاورمیانه، پیش‌تر نیز شاهد ائتلاف احزاب چپ و اسلام‌گرا بوده‌ایم. آیا این موضوع درنهایت به ضرر آن جریان چپ‌گرا نخواهد بود؟

همین‌طور است. خاطرات خونبار گذشته از ائتلاف چپ‌گرایان و اسلام‌گرایان نشان می‌دهد این تاکتیک شکست خورده است.
ک «محدین صباچی»، سیاست‌مدار برجسته ناصریست مصری، در



ناتون عضو افتخار السلطنه

بن‌بست کامل سیاسی و تداوم اقتدارگرایی، ارزیابی کلی «ناتان جی، براون»، کارشناس آمریکایی مسائل خاورمیانه و مدیر پیشین بخش مطالعات خاورمیانه دانشگاه «جورج واشنگتن»، از اوضاع مصر امروز است. او که تمرکز اصلی کارهایش روی اسلام سیاسی به‌طور خاص در مصر و جهان عرب بوده، معتقد است پارلمان بعدی مصر ضعیف و متفرق خواهد بود. او که علاوه بر همکاری با بنیاد «کارنگی»، اکنون عضو هیات مشاوران پروژه «دموکراسی خاورمیانه» است، در گفت‌وگو با «شرق» اشاره کرد که عدم موفقیت سیاست‌مداران اسلام‌گرا و غیراسلام‌گرای مصری در دستیابی توافق با یکدیگر، به ارتش دست بالا را داد. این پژوهشگر آمریکایی که نویسنده آثار بسیاری درباره جهان عرب از حاکمیت قانون در کشورهای آن حوزه تا سیاست دهقانی و مبارزه علیه دولت در مصر است، باور دارد اکنون سیاست‌مداران مصری به جای تلاش برای ایجاد احزاب منسجم سیاسی در حال دوزوکلک علیه یکدیگر هستند و حکومت نیز هرگونه فضایی برای سازماندهی نیروهای سیاسی را بسته است.

ک ارزیابی کلی شما از وضعیت سیاسی و اجتماعی کنونی مصر چیست؟ از زمان به قدرت‌رسیدن «عبدالفتاح سیسی»، چه تغییرات عمده‌ای در مقایسه با دوره «محمد مرسی» ایجاد شده است؟ اولویت اکثریت رای‌دهندگان در انتخابات پیش‌رو چه خواهد بود؟

در مصر، بخش‌های امنیتی محور دولت، ارتش و جناح‌های مختلف درون نیروهای امنیتی و اطلاعاتی بر اوضاع مسلط هستند. آنان غیرمباخو گو هستند حتی در برخی از موارد حاضر به پاسخ‌گویی به یکدیگر نیز نیستند. دیگر نهادهای دولتی مانند دستگاه قضائی و دستگاه مذهبی نیز وضعیت مشابهی دارند و خود را در موقعیتی فراتر از آن می‌بینند که بخواهند پاسخ‌گو باشند. در چنین شرایطی، فضای اندکی برای سیاست باقی می‌ماند. انتخابات نیز به همان ترتیب اهمیت چندانی ندارد.

ک به‌نظران انتخابات در مصر تا چه اندازه شفاف برگزار خواهد شد؟ آیا سیسی توانسته اعتماد مردم را درباره برگزار انتخابات شفاف و عادلانه جلب کند؟

صداهای مخالف واقعا در نطفه خفه شده‌اند و مجبور به سکوت هستند. ممکن است برای روشن‌فکران و چهره‌های عمومی، فضایی برای طرح نظرات انتقادی وجود داشته باشد باین‌حال، مخالفت سازمان‌یافته اپوزیسیون بسیار دشوار یا بهتر است بگویم ناممکن است. در چنین جوی، دشوار است بتوانیم بگویم نظر اکثریت مردم مصر چیست.

ک اکنون نظام سیاسی مصر، چگونه نظامی است؟ یک شبه‌دموکراسی سکولار یا نظامی اقتدارگرا؟ نظام سیاسی امروز مصر در چه قالب و تعریفی می‌گنجد؟

سیستم کنونی مصر، سیستمی آشکارا اقتدارگراست. نهادهای دولتی بدون هرگونه نظارت دموکراتیک واقعی مشغول به اجرای خواسته‌های خود هستند.

ک عده‌ای از تحلیلگران سیاسی درباره بازگشت نمایندگان حزب «دموکراتیک ملی» و نزدیکان «حسنی مبارک» در پارلمان بعدی هشدار می‌دهند؟ آیا به‌نظرتان این تهدیدی جدی است؟ راهبایی نزدیکان مبارک به مجلس چه تأثیری بر عرصه سیاسی مصر خواهد گذاشت؟

حزب دموکراتیک ملی هرگز به‌عنوان یک نهاد به‌مثابه یک نیروی سیاسی نبود باین‌حال، این جریان، مردمی که خواستار نزدیکی به قدرت بودند را به‌سوی خود جلب کرده بود. بازگشت افراد نزدیک به حزب دموکراتیک ملی، به معنای بازگشت آن جریان به‌عنوان یک سازمان نیست. این می‌تواند بدان معنا باشد آنان‌ی که در جریان خیزش سال ۲۰۱۱ میلادی خوار و رسوا شدند، بار دیگر بازخواهند کشت.

ک به‌نظرتان کشورهای خارجی به‌ویژه کشورهای منطقه، در انتخابات پارلمانی مصر اعمال نفوذ و مداخله خواهند کرد؟

فکر نمی‌کنم تأثیر خارجی در انتخابات گسترده باشد. شایعاتی درباره حمایت‌های صورت‌گرفته از برخی از احزاب و گرایش‌ها مطرح شده‌اند. برای من قضاوت درباره میزان حقیقت‌داشتن یا نداشتن این شایعات کار دشواری است. باین‌حال، من هیچ‌گونه شواهدی نمی‌بینم نشان دهد این موضوع بتواند در نتایج انتخابات پیش‌روی مصر تأثیرگذار باشد.

ک نظرتان درباره انشعاب در حزب «وقفه»، مهم‌ترین جریان لیبرال مصری، چیست؟ لیبرال‌ها چه جایگاهی در پارلمان بعدی مصر خواهند